

لغزشگاههای ترجمه قرآن کریم

حسین استاد ولی

قسمت چهارم

در سه شماره پیشین، از سری مقالات لغزشگاههای ترجمه قرآن کریم، مواردی از سوره های بقره و آل عمران مذکور شد و وعده دادیم که در این شماره لغزشگاههای سوره نساء را بیان داریم. چنانکه قبلاً یادآور شدیم، ما در این مقالات سه اصل را رعایت کرده ایم:

۱. غلط، غلط مسلم باشد، به طوری که ترجمه مذکور از نظر مفسران معتبر مردود باشد. مثلاً اگر «یوم» به دوران ترجمه شده یا «دین» به «قانون» و یا جمله ای که هم می تواند بیان قبل خودش باشد و همه استینافیه باشد و مترجمان به تفاوت عمل کرده اند، این گونه موارد مذکور نمی شود، زیرا توجیهی برای آنها در تفاسیر وجود دارد.

۲. مواردی مذکور افتد که جای لغزش برای مترجم وجود داشته باشد، بدین معنی که مثلاً مشکل ادبی در آیه باشد که مترجم از آن غفلت ورزد، نه هر اشتباهی ولو ساده باشد.

۳. نامی از مترجمان برده نشود و تنها ترجمه آنان مورد نقد قرار گیرد. ولی در طول این مدت برخی از دوستان، بر رعایت اصول فوق به ویژه اصل دوم و سوم اعتراض داشتند، بدین دلیل که رعایت این اصول سبب می شود که همه اغلاط ترجمه ها اصلاح نشده نیز میزان صحت و سقم و ارزش ترجمه ها به دست نیاید. لذا پیشنهاد داشتند که همه اغلاط و اشتباهها به هر دلیلی که رخ داده بررسی شود و با اشاره به نام مترجمان در مقالات آینده آورده شود.

این پیشنهاد، گرچه مستلزم صرف وقت بسیار است، ولی با مشورت برخی از دوستان پذیرفته شد و با رعایت شرط اول و سوم، عازم بر انجام آن شدیم. برای انجام این کار، در هر

آیه ای از قرآن کریم، به ترتیب سوره ها، به ترجمه های مشهوری که در دسترس قرار دارد مراجعه شده و اگر لغزشی در یکی یا چندی از این ترجمه ها وجود داشت، به آنها اشاره خواهد گردید. اینک به گذشته بازمی گردیم و از سوره مبارکه حمد آغاز می کنیم. *ومن الله التوفيق وعليه التكلان*.

آیه ۲. «الحمد لله رب العالمين».

در یکی از ترجمه ها کلمه «عالمین» به «عالمهای آفریدگان» ترجمه شده و بر ترجمه مشهور که «جهانیان» است ایراد شده است.

این ترجمه اگر در برخی موارد درست باشد، به طور مسلم در همه موارد استعمال این کلمه درست نیست، مثلاً آیا در آیه: «أتأتون الذکران من العالمین» (شعراء، ۱۶۵) می توان گفت که: آیا شما با نرینه های عالمهای آفریدگان درمی آمیزید؟».

جناب آقای خرمشاهی، نقد مفصلی بر این مطلب دارند که حق مطلب را ادا کرده اند و خوانندگان گرامی را به بیان ایشان ارجاع می دهیم.^۱

آیه ۴. «مالك يوم الدين».

در ترجمه ها، کلمه مالک به «پادشاه»، «فرمانروا» ترجمه شده است. این ترجمه زمانی درست است که «مَلِک» خوانده شود. گرچه «ملک» هم خوانده شده و حتی برخی از مفسران قراءت آن را بر قراءت «مالک» ترجیح داده اند، ولی این دلیل نمی شود که «ملک» به جای «مالک» ترجمه گردد. مترجم باید همان متنی را که ارائه می دهد، ترجمه کند و چون در همه آنها «مالک» ثبت شده است، لذا باید همان ترجمه شود. بنابراین، ترجمه صحیح چنین است: «دارنده روز جزا» حال آیا این تعبیر به چه معناست و مراد چیست، مطلبی است که باید از تفاسیر جست.

آیه ۷. «صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين».

در همه ترجمه ها از قدیم و جدید، با اندکی اختلاف در واژه ها، چنین آمده است:

«راه کسانی که به آنان نعمت دادی، نه راه خشم گرفتگان بر آنها و نه راه گمراهان.»

اشکال این ترجمه در آن است که با الفاظ و ترکیب نحوی آیه سازگار نیست. زیرا کلمه غیر، در این ترجمه به صورت لاء عاطفه درآمده است چنانکه گوئیم: «جاء زيد لاعمر» زید آمد نه عمرو. یا: «اضرب زیداً لاعمرأ» زید را بزن نه عمرو را. و اگر چنین بود، می بایست آیه شریفه چنین باشد: «صراط الذين انعمت عليهم لاصراط المغضوب عليهم ولا الضالين». با مراجعه به تفاسیر روشن می شود که به اتفاق مفسران «غیرالمغضوب علیهم» در صورتی که غیر مجرور خوانده شود (که در قراءت مشهور و مکتوب نیز چنین است) بدل است برای ضمیر «هم» در «علیهم» و یا

برای «الذین» و یا صفت است برای «الذین» .

زمخشری می نویسد :

«غیرالمغضوب علیهم بدل من الذین انعمت علیهم، علی معنی أن المنعم علیهم هم الذین سلموا من غضب الله والضلال؛ أو صفة، علی معنی انهم جمعوا بین النعمة المطلقة وهی نعمة الايمان و بین السلامة من غضب الله والضلال.»^۲

مرحوم طبرسی در جوامع الجامع، عین گفتار زمخشری را آورده است و نیز در مجمع البیان

می نویسد :

«و اما غیرالمغضوب علیهم، ففي الجرفیه ثلاثة أوجه: احدها ان يكون بدلاً من الهاء والميم في عليهم...، وثانيها ان يكون بدلاً من الذین، وثالثها ان يكون صفة للذین.»

پس ترجمه صحیح بنا بر آن که وصف باشد چنین می شود :

«راه کسانی که به آنان نعمت دادی که آنها جز کسانی اند که برایشان خشم گرفته شده و جز گمراهانند». و بنا بر آن که بدل باشد، چنین می شود :

«راه کسانی که به آنان نعمت دادی، آنان که مورد خشم واقع نشده اند و گمراه هم نیستند . « اینک، با این که فرق میان این دو ترجمه با ترجمه مشهور روشن است، در توضیح گوئیم :

ترجمه مشهور بر این اساس قرار دارد که مردم بر سه گروه تقسیم شده اند :

۱ . نعمت داده شدگان

۲ . کسانی که بر آنان خشم گرفته شده

۳ . گمراهان

که بنا بر برخی از تفاسیر، گروه اول انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین اند، و گروه دوم یهود و گروه سوم نصاری .

آری در ترجمه مشهور، بیش از این معنی متصور نیست، ولی در ترجمه ای که ما بر اساس قواعد نحو و اتفاق مفسران، ارائه دادیم، هم احتمال این معنی می رود و هم احتمال معنای دیگری که مفسرانی، چون : زمخشری، طبرسی، شیخ جواد بلاغی و دیگران بیان داشته اند و آن این که : ممکن است در این جا سه گروه مختلف مورد نظر نباشند، بلکه یک گروه مورد نظر باشد که سه ویژگی را داراست . این مطلب در بیان گذشته زمخشری به طور واضح مشهود است و مرحوم طبرسی پس از آن که وجه اول را ذکر می کند که مراد از این سه گروه کیانند، می نویسد :

« ... امام عبدالقاهر جرجانی، قول دیگری اختیار کرده، گوید : حق لفظ در این مورد

آن است که جاری مجرای جنس باشد، چنانکه گویی : پناه می بریم به خدا از این که

حال ما حال کسانی باشد که مورد خشم واقع می شوند. زیرا مراد تو در این دعا، قوم خاصی نیست که وجود خارجی داشته باشند...»

با این تفصیل روشن شد که الف و لام در «المغضوب» و «الضالین» لازم نیست که برای عهد ذهنی باشد، بلکه می تواند برای جنس باشد و اشاره به قوم خاصی نباشد، مراد وصف کلی باشد گرچه وجود خارجی نداشته باشد. این معنی در ترجمه مشهور، نهفته نیست. علاوه، ترجمه مشهور، با ترکیب آیه هم، ناسازگار است.

ممکن است کسی بگوید: اتفاق مترجمین بر ترجمه مشهور، دلیل صحت آن است و در این نظر جدید، که در برابر ترجمه چند هزار ساله قرار دارد، باید تجدیدنظر شود! پاسخ این اشکال روشن است، زیرا:

اولاً، بسیار اتفاق می افتد که یک اشتباهی از کسی سرمی زند و دیگران هم از روی اعتماد و با یک ارتکاز ذهنی، بدون توجه از او پیروی می کنند که با اندک تذکری چه بسا اشتباه آنان رفع خواهد شد.

ثانیاً، ترجمه ما من درآوردی نیست، بلکه براساس قواعد زبان عربی و بیان مفسران معتبر از قدیم و جدید است. بدین معنی که اگر زمخشری یا طبرسی می خواستند قرآن را به زبان فارسی ترجمه کنند، بی شک این آیه را براساس بیان تفسیری خودشان همین گونه ترجمه می کردند. ثالثاً، در برخی از تفاسیر فارسی، بدین مطلب توجه شده است. نگارنده در پایان نگارش این مقاله، به کتاب تفسیر «فاتحة الكتاب» تألیف یکی از فضلائی بعد از عصر ملامحسن فیض (ره) مراجعه کرد، وی پس از توضیح اعراب آیه گوید:

«پس در این صورت که او را بدل گیرند، معنی را چنین گویند که: منعم علیهم کسانیند که از غضب و ضلال سالم مانده اند. و در این صورت (که صفت الذین دارند) مفهوم آیه این بود که منعم علیهم غیرالمغضوب علیهم ولا الضالینند، یعنی آنانند که جمع نموده اند میان نعمت مطلقه که نعمت ایمان است و میان سلامت از غضب و ضلال که علامت گمراهان است»^۳

چون سخن در این باره به درازا کشید، به همین اندازه بسنده می کنیم و لغزشهای ترجمه در سوره بقره را در شماره بعد به بحث می گذاریم.

۱. «قرآن پژوهی»/ ۴۰۳-۴۱۰.

۲. «الکشاف»، ج ۱/ ۶۹.

۳. تفسیر «فاتحة الكتاب»/ ۱۷۳.